

# کانون وکلا

سال هشتم

بهمن و اسفند ماه ۱۳۴۴

شماره ۴۶

محمود سرشار

قسمت سیزدهم

## طریقه کشف جعل در عصر حاضر

### پیدایش خط و عوامل آن

چه عواملی اسلوب خط را تشکیل میدهد  
جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد

در شماره ۴۵ راجع به جعل از طریق تغییر خط بحث مفصلی نمودیم تا بدانند که در این قرون جدیده در نتیجه ترقیات شگفت انگیزی که در علم و فن زوی داده است افکار تمام جهانیان منقلب گردیده و خط مشی جوامع بشری را برگردانیده و حتی اجتماعات منحنط و عقب افتاده هم از اصول کهنه و مندرس و سنت های غلطی که برای کشف امور و قضا یا در دست دارند دست کشیده و به اصول و نظریات جدید علمی و فنی متوسل شده اند.

حیثیت و اعتبار هر جامعه ای در طرز سیر و سلوک در طریق علم و فن میباشد و بس.

بدبختی ما در این است که علم را تمام شده می پنداریم و حال آنکه هر فرد و یا اجتماعی در هر درجه از فهم و اندیشه باشد نسبت معلوماتش به مجهولات مانند قطره و اقیانوس است.

هر قدر دیده بصیرت انسانی وسیع تر شود به جهل خود بیشتر واقف میگردد و علم بشری فقط آسمانی به مجهولات بوده و عالم و دانشمند کسی است که به نادانی خود آسمان تر شود.

هر قوم و ملتی باید در راه حقایق علمی مجاهدت کرده و باب و فصلی بر فصول آن بیافزاید.

ما هنوز قادر به اقتباس نبوده چه رسد باینکه دارای مبتکرانی بوده باشیم.

باید از حال وقفه و رکود خود را خارج کرده و مجهولاتی برای خود قائل شویم تا در صدد معلوم کردن آن بر آییم و گرنه در جهل مرکب باقی خواهیم ماند

قوه فکری ما باید در اثر کوشش و مجاهدت و تحری در حقیقت متوجه افکار جدید گردیده و با نظر اهمیت به آن اصول بگیریم. تحول در هر فرد و اجتماعی رعایت همین اصول است و بس.

ما باید از طبیعت سرمشق بگیریم چگونه هر سال از حال رکود و کهنگی بیرون آمده و صورت نوین و تازه تری بنخود میگیرد.

مدلول این آیه شریفه وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا در تمام اوقات زندگی باید سرمشق و شعار حیاتی ما بوده و بهیچوجه آنرا از مد نظر دور نسازیم.

تا مردابهای فکری در دماغ ما که محیط ناسالمی برای ما ایجاد کرده است با اصول علمی و فنی جدید خشک نگردد و از این روش و عادات دیرینه خود که حیات اجتماعی ما را دگرگون کرده است دست برداریم و از دایره محدودیت و محصوریت بیرون نیائیم و از افکار عالم انسانیت استفاده ننمائیم و خوشه چین خرمن دنیای کنونی از حیث علم و فن نگردیم و از آن چشمه های زلال فیض نبریم محال است درب سعادت بروی ما باز گردد و ما را بسر منزل مقصود برساند.

خواجه حافظ شیرازی میفرماید :

در خلاف آمد عادات بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم  
من بسر منزل عنقا نه بخود بردم راه قطع این صرحه با مرغ سلیمان کردم  
سایه بردل ریشم فکن ای گنج روان که من این خانه بسودای تو ویران کردم  
در هر حال چشم را باید باز کنیم و دریابیم که علم و فن چگونه سیر کرده و بکجا رسیده و بعد هم به کجا منتهی خواهد شد و آنرا ملاک عمل خود قرار دهیم.

اکنون به بحث نوشتن بادست چپ که یکی از اشکال تغییر خط است می پردازیم

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

دست قسمتی از بدن انسان است که به باز و ختم شده و برای گرفتن اشیاء و لمس بکار برده میشود

وصف گرفتن و اخذ اشیاء از لوازم خاص دستها میباشد ولی عمل لمس از اوصاف تمام پوست بدن بوده و در نتیجه این عمل کلیه حالات مختلفه اشیاء از قبیل خشونت - نرمی سردی و گرمی احساس میگردد.

عضلات دست طویلتر از عضلات پا میباشد.

در انگشت ابهام دو عضله وجود دارد یکی عضله باز و منبسط شونده و دیگری عضله تا شونده

استخوان میج دست که **رسغ** نام دارد تا کف دست دنبال دارد و آنرا **کارپ** (Carpe) میگویند بعد استخوان **مشط** یا **متاکارپ** (Métacarpe) میباشد هر انگشتی از سه استخوان تشکیل شده که آنرا **فالانژ** (Phalange) یا **سلاهیات** میگویند.

انگشت ابهام بزرگتر و کلفتتر و آزادتر از سایر انگشتان میباشد.

قسمت علیا تمام انگشتان دارای ناخن میباشد.

انگشت سیبانه بیش از همه حرکت میکند ولی انگشت وسطی سنگین و بی حرکت است. دست نقطه اتکاء بدن میباشد. دست که منقبض میشود حکم گیره را دارد وقتی بسته شود حکم چکش را خواهد داشت و ناخن هم در حکم چنگال میباشد.

قلم در دست افراد بمنزله سنگ محک روح و دماغ آنان است اگر دانشمند باشند قلم محرک مغز و اندیشه بوده و تراوشات زیادی در اثر بکار بردن قلم آنان ظاهر میشود و اگر جاهل باشند دماغ منجمد شده و در حال رکود و وقفه خواهد ماند.

دست راست در انسان بهیچوجه با دست چپ فرق و اختلافی از نظر تشریح و وظائف الاعضا ندارد و قسمت راست بدن نیز مانند قسمت چپ میباشد.

از این دو دستی که طبیعت بما داده است یکرا بکار انداخته و دیگر را در حال رکود گذارده ایم

دست راست در نتیجه کار و فعالیت قوی و نیرومند شده و دست چپ بواسطه عدم فعالیت ضعیف و ناتوان گردیده است

کلیه عملیاتی که بشر تا کنون انجام داده و موجب پیدایش تمدن و تکمیل آن شده است در سایه فعالیت دست راست بوده و اگر با دست چپ همین معامله را مینمود آن هم بنوبه خود دارای همین صفات و مزایا میگشت.

افرادیکه دست راست ندارند با دست چپ کلیه عملیات را بوجه نیکو انجام میدهند. این **مقله** مدتی انواع خطوط را با دست راست مینوشت و مبتکر خطوط مختلفه

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

ایرانی بود ولی بعد که وزیر محمد بن مقتدر خلیفه بغداد که ملقب به **الراضی بالله** گشت در نتیجه سعایت ابن رائق دست راست او قطع گردید ولی بعد پشیمان گشت و یکی از اطباء آن عصر را که **ابوالحسن ثابت بن سنان بن قره** نام داشت برایش فرستاد که به معالجه او پردازد و در اثر معالجه جراحات وارده بردست او بهبودی یافت ولی بیدست گردید و با حال ندبه وزاری میگفت .

### خدمت بها الخلفاء و کتبت بها القرآن الکریم بخطین دفعین تقطع بها کما تقطع ایدی اللصوص.

یعنی بدین دست خلفا را خدمت نمودم و بدو خط در دومرتبه قرآن را نوشتم حالا دست مرا مانند دست دزدان قطع مینمایند

**ابن مقله** پس از قطع دست راست قلم را به بازومی بست و با آن کتابت مینمود و مقام اولی خود را با بازو پیدا نمود و کسی نمیتوانست با خط قیل از بریدن دستش فرق بگذارد بعد هم مدتی با دست چپ کتابت نمود که با دست راستش تفاوتی نداشت .

**دو کورنه** (Ducornet) نقاش معروف چون هر دو دستش قطع شده بود کلیه کارهای خود را که منجمله نقاشی تابلوهای زیبا بود با پاهایش ترسیم مینمود .

علت اینکه دست راست بیشتر از دست چپ مورد توجه واقع شده این است که نسبت به دست راست تقال نیک زده و آنرا تکریم و تجلیل مینمایند ولی کار با دست چپ را شوم تصور مینمودند .

در مذهب اسلام اشاره شده که استنجاز با دست چپ انجام دهند و دست راست برای خوردن وضع گردیده است .

در ادعیه اعمال ماه رجب بعد از نمازهای پنجگانه منقول از **حضرت امام جعفر صادق** علیه السلام است که در وقت قرائت دعای مخصوص میگوید موقع خواندن **یا ذا الجلال والاکرام** تا آخر دعا با دست چپ ریش خود را بگیر و هرگاه ریش نداری ذقن خود را بگیر و انگشت سبابه دست راست را بجانب چپ و راست خود حرکت بده و سه مرتبه قرائت نما و اگر خواننده زن باشد باید در موقع خواندن **حرم شیبتی علی النار** محل ریش را قصد نماید

در مذهب اسلام در موقع وضو و غسل ترتیبی دست راست را مقدم بردست چپ قراردادده و آن اعمال رایجا میآورند

در تمام ادیان مرسوم است که مراسم تحلیف را با دست راست بجا میآورند . در تعارفات معموله و سلام و احوال پرسی معمول و متداول است که دست راست خود را در دست راست دیگری گذاشته و تعارفات لازمه را بجا می آورند .

در موقع زفاف هم یکی از اولیاء عروس و داماد دست راست عروس را گرفته به دست راست داماد میگذارد و این عمل دست بست نامیده میشود .

### طریقه کشف جمل در عصر حاضر

درهمانیها مخصوصاً در سرمیز غذا و همچنین در ملاقاتها و در وسائط نقلیه اشخاص مهم و محترم را سمت دست راست خود قرار میدهند و اشخاص کم اهمیت را در سمت دست چپ می‌نشانند.

خانم‌ها در موقع راه رفتن با مردها و یا با شوهر و نامزدشان سمت دست راست آنها بیرون و ولی اگر بخواهند دستشان را با دست آنان قفل نمایند که آنرا **کاوایه (Cavalier)** می‌گویند خانم‌ها در سمت چپ مردها قرار میگیرند و سمت راست مرد آزاد میباشد تا اگر بی‌احترامی و تعرضی از ناحیه افراد صورت بگیرد در مقام مدافعه با دست راست برآیند. کلیه افراد نظام در موقع سلام دادن دست راست را بطرف راست صورت بالا برده و تشریفات معموله را انجام میدهند.

قاشق و چنگال را برای خوردن غذا با دست راست میگیرند ولی برای بریدن و خورد کردن غذا کارد را با دست راست گرفته و چنگال را با دست چپ برداشته و غذا را تناول مینمایند.

اجازه گرفتن و اشاره کردن و رأی دادن نیز با دست راست صورت میگیرد.

### نوشتن با دست چپ

با دست چپ میتوان چهار قسم خط ترسیم نمود

۱ - چپ نویسی تصادفی و اتفاقی

۲ - چپ نویسی دائمی یا عادی

۳ - چپ نویسی اختیاری یا طبیعی

۴ - خط در آئینه

علائم و مشخصات هر یک از این خطوط چهارگانه متفاوت بوده و اختلافات کلی در آن مشهود میگردد که بذکر و بحث آن پرداخته خواهد شد تا خوانندگان محترم به هر یک از انواع آن اطلاع حاصل نمایند.

### چپ نویسی تصادفی و اتفاقی

این نوع چپ نویسی در نتیجه صدمه و آسیب و جرح که در نقاط مختلفه دست روی میدهد از قبیل در رفتگی استخوان کتف - دمل زیر بغل - ورم و چرک زیر ناخن که منتهی به افتادن آن میشود و در اصطلاح طبی **پاناری (Panaris)** و یا فرو رفتن ناخن در گوشت که **اونیکسی (Onyxis)** نامیده میشود و یا به منظور تغییر خط معمولی با طریقه سهل و راحت و مطمئنی صورت میگیرد

اغلب خط نامه‌های بی‌نام که هويت نویسندگان آن مجهول میباشد بدین نحو تنظیم میگردد.

## طریقه کشف جعل در عصر حاضر

این نوع خطوط بصورت غریب و عجیبی در می آید که در عرف عامه به خط **خرچنگ قورباغه** موصوف می باشد که نمیتوان آنها را با سهولت و آسانی قرائت نمود.

نوشتن خط با دست چپ در بادی ابردشوار بوده و حتی خطاطان و نویسندگان ماهر برای ترسیم اینگونه خطوط دچار عسرت و زحمت میباشند زیرا مچ دست فاقد نرمی بوده و نمیتوان مکرراً و مستمراً آنرا از جای خود تغییر داد و جابجا نمود و طوری در موقع تحریر می لغزد که منتهی به خمیدگی حروف شده و نمایش خطوط **سطر انجیلی** را میدهد و نیز انگشتان در نتیجه سفتی و صلابت به نوك قلم تکیه کرده و در کاغذ خراش و پارگی ایجاد مینماید بعلاوه مغز که هادی و راهنمای دست میباشد در نتیجه تغییر عضو تحریر راه اشتباهی را پیموده و محورها را وارونه و معکوس نموده و بصورت خط مایل در آورده و به سمت چپ آنرا معطوف میسازد

نتیجه و محصول آزمایش این نوع چپ نویسی این است که متضمن علائم و مشخصات مخصوص بوده و معرف نویسنده این قبیل خطوط میباشد.

اگر صدمات وارده بر دست مدتی ادامه پیدا نماید و یا تغییر دهنده خط در چند نوبت این عمل را انجام دهد خطوط غیر خوانا صورت دیگر بخود گرفته و خوانا گردیده و بر سرعت تحریر نیز افزوده میگردد.

علائم و مشخصات چپ نویسی اتفاقی بشرح زیر میباشد.

### ۱ - بی ترتیبی محورها

چپ نویسان خطوط خود را یا راست و یا وارونه و معکوس مینویسند ولی راستی و معکوسی این نوع خطوط نا مرتب و غیر منظم میباشد و این کیفیت با عارضه مغزی بستگی دارد و مربوط بعوارض وارده بر دست نمیشود زیرا ترسیم خط مایل از اثرات دست چپ بوده ولی قصد چپ نویسی این است که آن خطوط مایل را بصورت راست و مستقیم ترسیم نماید.

### ۲ - فقدان لرزش و حرکت

چون مچ دست چپ باندازه کافی حرکت نمیکند لذا سه علامت مشخص و معینی را که حکایت از هویت دست است دارا میباشد.

### الف - بی ترتیبی اندازه زوایا

موقعی که با دست چپ به نوشتن سندویا نوشته ای مبادرت میشود تا اندازه ای که انگشتهای نویسنده بطرف محور ساعد است انحراف به سمت چپ زیادتر از سمت راست خواهد بود و محورهای حروف هم بصورت عمودی در خواهد آمد.

اگر مچ دست حرکت نکند به سمت راست پیچیده شده محورها بصورت مایل بطرف راست مانند خط دست راست در می آید.

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

## ب - تغییر صورت برآمدگی حروف

خط مفروض مماس با پایه هر حرفی در خطوط متعارفی و معمولی بستگی بالغزش و حرکت دائمی میچ دست دارد.

اگر میچ دست برای حرکت بطرز چپ نویسان اتفاقی کند باشد دستی که بدور محل ثابت مفاصل استخوانهای میچ که رصغ است گردش نموده و خطی بشکل قوس که دارای فرورفتگی است ترسیم مینماید و خطوط ترسیم شده بنحوی شکسته گردیده که مجموع آن بصورت شکل منحنی در خواهد آمد.

## ج - فشار متناوب در موقع حرکت میچ دست

انگشتهای نویسنده طوری به حروف فشار می آورد که آنها از جایی به جای دیگر انتقال داده و فقط حرکت و گردش میچ دست است که گاهی فاصله ای ایجاد کرده و یک هم آهنگی موقتی و متعارفرا ایجاد مینماید.

## ۳ - بی ترتیبی

بی ترتیبی از اوصاف مشترکه کلیه خطوط غیر عادی است و به چند صورت مختلف در خواهد آمد.

۱ - در قالب و کرسی خط

۲ - در انحناء و فواصل و امتداد آن

## ۴ - تغییر انحناء

حلقات ترسیمیه فوقانی کوچک و ناقص بوده و برعکس حلقات تحتانی بزرگتر میشود و صورت و شکل ترسیم خط نیز زاویه دار و گوشه دار بوده و دسته فوقانی خمیده و تا شده بطرف چپ میباشد و زیر و زبر هم تورفته بطرف راست خواهد بود.

## ۵ - تغییر شکل او این حروف ترسیمیه کلمات

خطوط چپ نویسان مانند خطوط افراد مردد و شکاک دارای برداشت و برش زیاد بوده و اگر نوشته با غیر از قلم خود نویس انجام گردد برداشت قلم و زدن آن در دوات از لحاظ تغییر رنگ محسوس و فواصل و نقاط وصل آن کاملاً مشهود و هویدا بوده و ایجاد سوراخ و یا سائیده گی در کاغذ خواهد نمود

## ۶ - ازدیاد برش و فواصل

در خطوطی که با دست چپ نوشته شده برش و فواصل آن زیاد بوده که چشم قوی و یا ذره بین وجود این قبیل فواصل را معلوم و معین مینماید.

## ۷ - پیچیده گی های خراب

در مورد رسیدگی به خطوطی که با دست چپ نوشته شده است نباید اوراقی را که با دست راست نوشته شده بعنوان مقایسه و اساس تطبیق بکار برد لازم است اوراق

## طریقه کشف جعل در عصر حاضر

ترسیمیه با دست چپ با اوراق مسلم الصدور دست چپ تطبیق گردد زیرا آغاز نوشتن دوایری که با دست راست نوشته شده کاملاً با دوایری که با دست چپ ترسیم گردیده است فرق و اختلاف خواهد داشت و اغلب پیچهای خطوط افرادی که با دست چپ برای کتمان خط حقیقی خود مینویسند خراب بوده و با اصول قواعد خط مطابقت نینماید .

### ۸ - خرابی امتدادهای خطوط

خطوطی که بطرف پائین امتداد می یابد همیشه از خطوط نهائی کلمات تشکیل میگردد و با دقت کمی کاملاً این معانی معلوم و مکشوف خواهد شد .

### ۹ - غیر قابل اصلاح و پرداخت

چپ نویسهای اتفاقی نمیتوانند خطوط خود را اصلاح و پرداخت نمایند زیرا هر تغییر دهنده خط دیگر در مقام اصلاح خط خود بر نخواهد آمد .

### ۱۰ - ناهمواری خطوط در قسمت چپ

خطوطی که افراد اتفاقاً با دست چپ مینویسند ناهموار بوده در صورتیکه خطوط سمت راست به نحو صحیح و مطلوبی ترسیم میگردد .

فعلاً به بحث مبحث چپ نویسی اتفاقی خاتمه داده و در شماره های بعد در اطراف اقسام دیگر چپ نویسی بحث خواهیم نمود .

اینک از نظر اهمیت بدکسر جعل خطوط ماشینی میردازیم تا خوانندگان محترم کاملاً باین قسمت مهم نیز و قوف حاصل نمایند .

ماشین یکی از مظاهر تمدن جدید است که بشر بدان فخر و مباهات کرده و تمام ترقیات شکفت انگیز و محیر العقول مولود همین اختراع میباشد .

پدران ما برای ترسیم آثار فکری خود سالها روی پوست حیوانات از قبیل آهو و پوست نباتات مانند برگ خرما و غیره عمل نموده و با کمال صعوبت و دشواری آنرا انجام میدادند ولی امروز در نتیجه بسط علوم و فنون بشر قادر است جریانات روز و افکار مردم را با نیروی برق بوسیله ماشین تحریر که فتوتایپ ( Phototype ) نام دارد بتمام اقطار و اکناف عالم در ظرف چند دقیقه نشر و اشاعه دهد .

پروفیسور ژید ( Gide ) یکی از اقتصادپون بزرگ جهان میگوید :

اولین سنگ بنای تمدن جدید را مبتکر و مخترع ماشین چاپ که گوتنبرگ ( Gutenberg ) آلمانی است گذارده و بدون این اختراع تمدن مفهوم و معنی حقیقی نخواهد داشت .

فرانکلن ( Franklin ) یکی از علمای فیزیک امریکا میگوید :



**بشر یگانه حیوانی است که میتواند برای انجام حوائج و امور خود افزار و ماشین تهیه نماید .**

ماشین محاسن بیشماری دارد که عمده ترین اوصاف آن از اینقرارند .

- ۱ - قدرت ۲ - سرعت ۳ - دقت و اتحاد شکل ۴ - تقلیل زحمت کار و کوشش
- ۵ - افزایش تولید ۶ - ارزانی قیمت ۷ - تثبیت مزد .

اولین فردی که فکر اختراع ماشین محاسبه درمخبله اش خطوط نمود **پاسکال** ( Pascal ) است که یکی از حکمای فرانسه در سده هفدهم میباشد و یکی از فلاسفه و عرفا و ریاضی دانهای معروف جهان بشمار میرود در ۱۶۲۳ متولد و دارای حدت هوش و وجودت ذهن بوده و در سن ۳۹ سالگی درگذشت .

این فیلسوف بزرگ ماشین مخصوصی اختراع نمود که انسانرا از استعمال قلم و کاغذ برای محاسبه مخصوصاً جمع و تفریق بی نیاز مینمود .

حکیم ودانشمند مزبور **بیکرانی** و **بی اتنهانی** جهان را از جهت بزرگی و کوچکی میدانست و معتقد بود که انسان بدرک این دو قسمت قادر و توانا نبوده و فقط امور متوسط را که میانه این دو جهت باشد درک کرده و علم به آغاز و انجام آن ندارد .

یکی از سخنانش این است که جهان کره ایست که مرکزش همه جا و محیطش هیچ جا نمیباشد و واضع محاسبه بمقادیر بینهایت خرد که **اتقینی تریمال** ( Infinitésimal ) نام دارد و محاسبه احتمالات که **کالکول دو پروبایلیته** ( Calcul de probabilité ) است میباشد .

وبعد از او **لپین** ( Lépine ) در مقام تکمیل ماشین **پاسکال** برآمد و **لینیتس** ( Leibnitz ) فیلسوف آلمانی که مخترع حساب فاضله و جامعه **کالکول دیفرانسیل** و **انتگرال** ( Calcul différentiel et Intégral ) و محاسبه بینهایت خرد میباشد به نحو اتم و آکمل ماشین مزبور را تکمیل نمود که بانهایت سهولت چهار عمل اصلی با آن انجام میگرفت .

ماشین بمعنایی که امروز در عرف دنیا شایع است از نیمه اول قرن نوزدهم بوجود آمده و در نیمه دوم بتدریج رو بتکامل گذاشت .

ماشین تحریر یکی از اختراعاتی است که در رأس کلیه صنایع ماشینی قرار گرفته و موجب تحولات زیادی در کلیه حیات فرهنگی و تجاری و معاملات مردم شده است . ماشین تحریر دستگاهی است که با انگشتان دمت میتوان با سرعتی که تندتر از قلم باشد کلیه نامه ها و نوشتجات را در چندین نسخه چاپ و توزیع نمود .

ماشین چاپ و ماشین تحریر یکی از عوامل ترقی حکومت دموکراسی است

در سایه ظهور این دو اختراع افراد بافکار و منویات یکدیگر پی برده و زمینه را برای بدست آوردن حکومت ملی فراهم مینمایند.

آثار سوابق ماشین تحریر در اداره ثبت علائم صنعتی انگلیس مشهود گردیده و حاکی است که در هفتم ژانویه ۱۷۱۴ امتیازی از طرف آن (Anne) ملکه انگلیس **زن هانری هشتم** به یکنفر مهندس انگلیسی که **هانری میل (Henry Mill)** نام دارد داده شده ولی شخص نامبرده موفق با اختراع آن نگردیده است.

در ۱۸۲۹ امتیاز دیگری به یکنفر امریکائی از اهل دترویت که **ویلیام آستین بورت (William Austin Burt)** نام دارد تفویض شده و شخص مذکور موفق بساختن ماشین تحریر شده ولی متأسفانه در نتیجه وقوع حریق در اداره ثبت علائم دستگاه مزبور خراب و از بین رفته و بزحماتش خاتمه داده شده است.

در ۱۸۳۳ امتیازی به **اگزایوه پروژن (Xavier Progen)** فرانسوی که از اهل مارسیل بود داده شد که ماشین تحریری اختراع نماید نامبرده پس از کوشش زیاد ماشینی اختراع نمود که **شارل توربر انگلیسی (Charles Thurber)** در مقام رفع نواقص آن برآمد و ماشینهای ساخته شده مورد استفاده کورها و اشخاص نایبنا واقع گردید.

در ۱۸۴۹ **پیر فوکولت (Pierre Foucault)** دبیر آموزشگاه کورها در پاریس ماشینی اختراع نمود که دارای حروف برجسته بوده و در نمایشگاه سال ۱۸۵۵ شهر لندن مورد توجه واقع گردید.

در ۱۸۵۵ **سر چارلوت استون (Sir Charles Wheatstone)** در انگلستان و **راویسا (Ravissa)** در ایتالیا و **بیچ و فرانسیس (Beach & Francis)** در فرانسه ماشینهای تحریری اختراع نمودند که از هر حیث مورد استفاده واقع گردیده ولی عیب و نقص این ماشینها این بود که روی نوار کاغذی حروف و کلمات را ترسیم مینمود و اغلب هم با حروف برجسته ساخته شده بود که مورد استفاده کورها و نایبنايان واقع میگردد.

ولی کم کم این ماشینها بنحوی تکمیل گردید که کلیه نیازمندیهای خود را با آن رفع مینمودند چنانچه در ۱۸۷۴ شخصی بنام **ریمینگتون (Remington)** ماشینی بهمین اسم اختراع نمود که ماشین مزبور نمونه و الگوی تمام ماشینهای تحریر واقع گردید. اولین ماشین تحریر با حروف بزرگ ساخته شده بود ولی بعد حروف بزرگ و ریز را باهم تلفیق نموده و طوری قرار داده اند که با تغییر کلید و بالا و پائین بردن آن میتوان از کلیه حروف ترسیمیه استفاده شود و از ۱۹۰۰ میلادی بعد تمام نواقص و معایب آن رفع و تکمیل گردید و در معرض فروش در تمام نقاط عالم قرار گرفت. ماشین تحریر بنحوی ساخته شده که بمحض اصابت انگشتان روی حروف ماشین

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

نوار ماشین هم دارای مرکب است بحرکت درآمده و هم غلطکی که کاغذ مورد چاپ را درین دارد حرکت کرده و حروف را بوسیله نوار روی کاغذ ترسیم مینماید و پس از اتمام نوار و گردش نهائی آن باز هم خود بخود بسمت دیگر قرقه ای که خالی شده است حرکت مینماید.

صفحه مقابل ماشین تحریر از چهار خط تشکیل گردیده و انواع حروف اعم از تنها اول وسط و آخر را دربر دارد و نیز انواع نقطه گذاری و علائم از قبیل خط ربط - پرائنز - مد - همزه و علائم استفهام و تعجب و ارقام را دارا بوده و برخلاف سابق ماشینهای تحریر حروف آن در موقع زدن مرئی و بیصدا میباشد.

اینک برای مزید اطلاع خوانندگان نمونه از طرز تنظیم حروف سه ماشین مختلف را ذیلاً مینگاریم .

#### ریمینگتن

چ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

چ - % a g d d z ط ظ .

ح خ ه ع غ ف ق ث پ ص ض

ج - % h e e f u u v ض

ک م ن ت ل ب ی س ش

- % k m n t l b y s ش

ج گ ژ ( ) ا ب ج غ ی

ج ۳ ز و ۱/۴ ل ا ر % ا ب ج غ ی

آریکام انسانی

چ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ پ

چ - % a g d d z ط ظ / ؛

ح خ ه ع غ ف ق ث ص ض

ج - % h e e f u u v ض

ک م ن ت ل ب ی س ش

- % k m n t l b y s ش

w « ( ) گ ا ب ج غ ی ×

ع ز و ؟ ۳ ل ا ر ژ ن -

### کتبنا تال

چ ۹۸۷۶۵۴۳۲۱۰ پ

چ - % ا ب ج د ذ ظ / ؛

- ج ح خ ه ع غ ف ق ث ص ض

- ج ذ ح ه ع غ ف ق ث ص ض

ء ك م ن ت ء ل ب ی س ش

- كه ذ ا ل ب ی س ش

» ( ) ؤ ل ا ع ی ×

ة ز و ؟ ل ا ر ژ ن +

این اختراع طوری تکمیل گردیده که کلیه تلگرافات مردم با ماشین تحریر برقی که **تله تایپ** (Télétype) نام دارد انجام میگردد.

ماشین تحریر دیگری با اسم **فوتوتایپ** (Phototype) وجود دارد که کلیه اخبار و نطق ها و جریانات روز بوسیله آن در تمام نقاط عالم منتشر میگردد زیرا بمحض اصابت انگشتان در روی حروف ماشین فوراً چراغی روشن گردیده و از حروف و کلمات ماشین شده در سراسر مختلفه در روی فیلم عکس برداری کرده و آنها را در معرض افکار عامه قرار میدهند امروز اغلب کارهای چاپخانه های مهم بوسیله **مونوتایپ** (Monotype) که حروف را جداگانه و منفرداً میریزد و همچنین **لینوتایپ** (Linotype) که حروف را سطر بسطر ریخته و **الکتروتایپ** (Electrotype) که با الکتریک تصاویر و حروف سنگی را چاپ مینماید و **اشترئوتایپ** (Stéréotype) که چاپ در روی صفحاتی که حروف آن ثابت و در حکم کلیشه است انجام میگردد.

اختراع ماشین تحریر و ماشین محاسبه تحولات غریبی در امور تجاری و فعالیتهای اجتماعی ایجاد نموده بنحوی که کلیه اعمال ریاضی از قبیل چهار عمل اصلی و لگاریتم و معادلات جبری از هر درجه که باشد با این قبیل ماشینها انجام میگردد.

از ۱۹۲۸ بعد دفاتر تجاری را با ماشین تحریر ستون بندی کرده و منظم و مرتب مینمایند و همانطور که در بالا اشاره شد نحوه هر عمل ریاضی را با تغییر کلید بنحوه و صورت دیگری در میآورند یعنی از عمل جمع به عمل تفریق و یا بضر و تقسیم مبادرت کرده و هر گونه سهو و اشتباهی را هم با افزار مخصوص که در آن وجود دارد پاک و محو مینمایند -

اخیراً ماشینهای تحریر طوری ساخته شده است که قابل حمل بوده و بسهولت با خود برده و نیازمندیهای روزانه را تأمین مینمایند و نیز ماشینهای جدیدی ساخته شده است که دارای خطوط مختلفه بوده و میتوان با بیست الی سی زبان باسانی مکاتبه کرده و احتیاجات خود را رفع نمود.

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

حروف تمام این ماشینها با سرب - آنتیموآن و مس ساخته شده که میزان هر کدام بشرح زیر میباشد

۱ - سرب هشتاد و پنج درصد

۲ - آنتیموآن سیزده درصد

۳ - مس دو درصد

آنچه شایان توجه است این است که تاکنون در عالم بیشتر عملیات ماشینی بوسیله زنها انجام داده شده و مردها کمتر باین قبیل امور مبادرت مینمایند.

اکنون بیحسب طریقه کشف جعل اوراق ماشین شده میپردازم تا کارشناسان دستگاه قضائی ما با اصول و نکات فنی آشنا گردیده و باین معجولات خانمانسوز خاتمه دهند.

### جعل در اوراق ماشین شده

نظر باینکه تمام کارهای دوائر دولتی و سازمان این کشور و امور تجارتخانهها و بنگاهها و غیره با ماشین تحریر انجام میگردد بیشتر جعلها در این قبیل اوراق ماشین شده صورت گرفته و آنها را بر علیه اشخاص مورد استفاده قرار میدهند.

علت ارتکاب این نوع جعلها این است که اعمال کنندگان آن عقیده دارند که کشف جعل در این مورد کار دشواری بوده و محال است از روی نوشتجات و اوراق ماشین شده بتوان بهیچ وجهی آن اطلاع حاصل نمود و کلمات و سطور ترسیمیه را معرف هویت ماشین کننده و سازنده آن نمیدانند و در اثر همین فکر و اندیشه است که بر تعداد این قبیل جعلها افزوده شده و محیط ناامنی ایجاد کرده و حقوق افراد را تضییع و بمخاطره انداخته است.

ولی این تصور غلط و مبنی بر اشتباه بوده و هیچ عملی با ترقیات کنونی در پرده استار باقی نمانده و بانیروی فن و علم پرده از روی اعمال جاعلین برداشته خواهد شد.

ازدیاد اوراق معجوله ماشینی و مطالعاتی که علماء و دانشمندان در این زمینه نموده اند باین نتیجه رسیده است که کشف تاریخ ارتکاب جعل و تشخیص مرتکبین اوراق معجوله کار سهل و آسانی شده است.

بیشتر اوراق معجوله ماشینی شده متضمن الحاق که یکی از انواع جعل است میباشد و ممکن است کلمات و سطور و یا صفحاتی بهر سندی اضافه شود که اینگونه اعمال هم با دقت کاملی معلوم گردیده و عدم اصالت اوراق مکشوف و به بطلان آن منتهی خواهد شد.

در هر حال بدون رسیدگی و دقت محال است بتوان معین نمود که نوشتجات ماشینی شده بچه نحوی صورت گرفته و بر کارشناسان است که معلوم نمایند که این اسناد مستند بفعل یک نفر بوده و یا افراد دیگری هم در تنظیم آن دخالت داشته اند و آیا با یک ماشین صورت گرفته و یا ماشین های دیگری را هم در تدوین آن بکار برده اند و آیا مستمراً

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

ماشین شده و یا در مراحل و زمانهای مختلفه تنظیم گردیده و نیز معلوم نمایند که ماشینهای بکاربرده شده در چه تاریخی اختراع و ساخته شده است که جمع آوری کلیه این نکات کمک بزرگی به اثبات اصالت و عدم اصالت آن خواهد نمود.

عادات مختلفه ای که در طرز ماشین نویسی اشخاص مشهود میگردد فشار و عدم فشار انگشتان در روی حروف - فواصل - سرعت - ترتیب و تنظیم - نقطه گذاری - استعمال غلط حروف و ارقام و اوصاف دیگر مثبت هویت هر ماشین کننده بوده و معلوم مینماید که این اوراق بوسیله یکنفر ماشین شده و یا اشخاص دیگری هم در ماشین کردن آن شرکت داشته اند.

عده الیاف نوار ملونه ماشین هم حکایت از نوع چاپ اوراق نموده و در نتیجه اندازه گیری با آلات و ادوات دقیق و عکسبرداری نوع نوار مشخص گردیده و مثبت تغییر آن میباشد.

بعلاوه تفاوت رنگها که در اثر استعمال و یا تغییر نوار پیدا میشود معرف استمرار تنظیم اوراق و یا فواصل آن در ازمینه مختلفه میباشد.

هر ماشینی معرف هویت خود بوده و هر کدام در تاریخ معینی اختراع گردیده که تعیین تاریخ ساخت ماشینهای مزبور مؤثر در کشف جعل خواهد بود زیرا اگر تاریخ اسناد ساخته شده قبل از اختراع و ساخت ماشینهای مزبور بوده باشد دلیل بر این است که اوراق مزبوره مزور و معمول بوده و در زمان تاریخ ولادت مدرک ماشین مزبور وجود نداشته تا در تنظیم سند مزبور بکار رفته باشد.

برای اینکه کارشناسان از تاریخ اختراع ماشینهای تحریر آگاهی حاصل نمایند به ذکر تاریخ ساخت هر یک از انواع ماشینها که بنست آمده است ذیلاً می پردازیم

- ۱ - رمینگتون ( Remington ) ۱۷۸۴
- ۲ - کالیگراف ( Caligraph ) ۱۸۸۳
- ۳ - هاموند ( Hammond ) ۱۸۸۴
- ۴ - یوست ( Yost ) ۱۸۸۷
- ۵ - اسمیت پرمیه ( Smith - Premier ) ۱۸۸۹
- ۶ - دنس مور ( Densmore ) ۱۸۹۱
- ۷ - بارلوك ( Barlock ) ۱۸۹۱
- ۸ - جیوائت ( Jewett ) ۱۸۹۲
- ۹ - ویلیامس ( Williams ) ۱۸۹۲
- ۱۰ - بلیکنز درفر ( Blickensderfer ) ۱۸۹۳
- ۱۱ - اولیور ( Oliver ) ۱۸۹۴

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

- ۱۲ - امپایر (Empire) ۱۸۹۵
  - ۱۳ - کراندال (Crandall) ۱۸۹۵
  - ۱۴ - آندروود (Underwood) ۱۸۹۶
  - ۱۵ - مانهاتان (Manhattan) ۱۸۹۸
  - ۱۶ - سان (Sum) ۱۹۰۱
  - ۱۷ - فوکس (Fox) ۱۹۰۲
  - ۱۸ - الیوت فیشر (Elliott - Fisher) ۱۹۰۳
  - ۱۹ - ل. سی. اسمیث (L. C. Smith) ۱۹۰۳
  - ۲۰ - مونارچ (Monarch) ۱۹۰۴
  - ۲۱ - رویال (Royal) ۱۹۰۶
  - ۲۲ - نیوسنچوری (New Century) ۱۹۰۷
  - ۲۳ - امرسون (Emerson) ۱۹۰۷
  - ۲۴ - کورونلا (Corona) ۱۹۰۷
  - ۲۵ - ولینگتون (Wellington) ۱۹۰۷
  - ۲۶ - ویکتور (Victor) ۱۹۰۷
  - ۲۷ - هاریس (Harris) ۱۹۱۱
  - ۲۸ - ناشنال (National) ۱۹۱۲
  - ۲۹ - ووداستوک (Woodstock) ۱۹۱۴
  - ۳۰ - نویزلس (Noiseless) ۱۹۱۵
  - ۳۱ - رگس (Rex) ۱۹۱۶
  - ۳۲ - دمونتابل (Demountable) ۱۹۲۱
- برای کشف اصالت وعدم اصالت سند لازم است بدوا انواع ماشین را در نظر گرفت و بعد تاریخ ساخت آنرا معین نمود و با تاریخ تنظیم سند تطبیق نمود.
- اگر تاریخ سند مقدم بر تاریخ ساخت و اختراع ماشین باشد مجعولیت سند کاملاً محرز است.

تعمیر ماشین و خرابی آن بخوبی در خطوط ترسیمیه ظاهر و هویدا است و برای رسیدگی بهرمندی لازم است دقت شود که آیا کلیه مندرجات سند با یک نوع ماشین انجام گرفته و آیا ماشینهای بکار برده شده نو بوده است یا کهنه و کلمات الحاقی هم با سایر مندرجات سند یکی میباشد.

کلیه تغییرات حروف ترسیمیه ماشین بستگی با حالت روحی و جسمی انسان دارد آنچه را که یکنفر با آسایش و راحتی فکر ماشین میکند با سطوری که با حالت ترس

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

واضطراب روحی انجام گرفته اختلاف دارد حالت سلامتی و ناخوشی در حروف و کلمات ماشین شده نمایان است و بخوبی میتوان معلوم نمود که عمل ماشین بوسیله زن انجام گرفته است یا مرد که کلیه این نکات کمک بزرگی به کشف جعل و تعیین جاعل مینماید.

ماشین تحریر پس از آنکه پنجسال کار نمود تغییراتی از قبیل کهنه گی - سائیدگی - شکستگی - سطر بندی - اندازه - طرح - موازات - وضعیت نوار - نسبت و ارتباط هر حرفی با حرف مجاور از نظر عمودی و افقی و سایر خصوصیات دیگر در آن عارض میشود و بعد از ۲۵ سال از حیز انتفاع می افتد لذا جهات مذکوره را نسبت با اسناد مورد ظن باید مورد توجه قرار داد.

قسمت دیگر که شایان دقت است این است که فواصل سطور و کلمات الحاقی نمیتواند با اندازه فواصل سطور دیگر باشد و با اندازه گیری این معانی روشن گردیده و برمخدوش بودن و یا اصالت سند کمک مینماید.

جهاتی که در موقع رسیدگی باید مورد توجه قرار گیرد بشرح زیر است.

- ۱ - املاء
- ۲ - نقطه گذاری
- ۳ - استعمال حروف تنها
- ۴ - تقسیم کلمات
- ۵ - انتخاب کلمات
- ۶ - تلفیق کلمات
- ۷ - اشتباه در حروف اول و وسط و آخر
- ۸ - رعایت عدم رعایت قواعد صرف و نحو
- ۹ - موضوع نوشته و سند
- ۱۰ - میزان جای خالی در هر بند و قسمتی از نوشته
- ۱۱ - فواصل قبل یا بعد از نقطه
- ۱۲ - طرز عنوان کاغذ
- ۱۳ - طرز خاتمه آن
- ۱۴ - طرز استعمال حروف بنحو غیر عادی و معمولی
- ۱۵ - تکرار حروف در یک کلمه
- ۱۶ - استعمال مبدله در غیر مورد
- ۱۷ - تراشیدگی و تصحیح
- ۱۸ - وحدت و تغییر رنگ
- ۱۹ - حواشی ناچور و متغیر
- ۲۰ - رعایت تعادل و عدم تعادل در مندرجات کاغذ
- ۲۱ - عرض سطور
- ۲۲ - طرز ترسیم عدد و میزان وجه و کسور آن



همانطور که وعده داده شده بود در هر شماره پس از بحث قسمتهای فنی و عملی بذکر قسمت قضائی آن پرداخته شود اینک وارد مبحث قضائی شده مختصری هم در این شماره برای این موضوع اختصاص میدهم.

**۳- قلب حقیقت در اسناد و نوشتجات باید ناظر به مندرجات و سطوری باشد که موجب تعهد و اثبات امر و یا قضیه‌ای شده و بهمین منظور سند و نوشته تنظیم گردیده است.**

جعل و تزویر در نوشتجات و اسناد که بمنظور حمایت افراد در مقررات جزائی در نظر گرفته شده از نظر صورت سند و نوشتجات بی ارزش آن نمیشد بلکه از نظر قسمتهای مؤثر اسناد و قراردادهای میباشد که بمنزله دلایل اثباتیه دارند آن بوده و روابط بین متعهد و معتمد را تأمین و تضمین مینماید.

شرط سوم تحقق جعل این است که قلب حقیقت در نوشته و سندی موقعی مورد تعقیب کیفری میباشد که قلب بهر نحوی که صورت گرفته باشد موجب تحقق و یا اثبات امر و قضیه و یا سلب آن بوده باشد که برفع جاعل یا دیگری تمام گردد این اصل درباره انواع جعلها اعم از مادی یا معنوی صورت میگیرد خواه بوسیله مستخدم دولت نسبت باسنادیکه سپرده باوست انجام گیرد یا بوسیله افراد عادی

اگر قلب حقیقت بصورت یکی از صور مذکوره در مبحث جعل قانون کیفر همگانی درآید باید ناظر بقسمت اصلی نوشته باشد بنحویکه اثراتی را غیر از آنچه در پادای امر بوده است ایجاد نماید

در موارد زیرین اوصاف جعل بهیچوجه مصداق پیدا نمیکند

۱- در موردیکه نوشته مزور و مجعول ایجاد هیچگونه حقی نموده و مستند و مدرکی برای اعمالکننده آن نباشد  
۲- در موردیکه قسمت مجعول سند ناظر بقسمتی نباشد که برطبق آن سند تنظیم شده باشد

۳- در موردیکه جعل در اوراق و حسابها برطبق دفاتر و یادداشتهای رسمی و غیر قابل خدشه انجام گرفته باشد

۴- در موردیکه جعل در اوراق رسمی بوسیله افراد غیر صلاحیتدار تنظیم شده است عملی گردد

جعل سند و نوشته که دلیل و یا کمک دلایل دیگر واقع نگردد جعل محسوب نخواهد شد.

عمل تاجریکه برای مستور نمودن توقف خود میزان بدهی خود را کم نموده و دارائی خود را زیادتیر نشان دهد برای اینکه زمینه قرارداد ارفاقی خود را تهیه نماید جعل محسوب نمیگردد.

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

مأمور صحتی که در گزارش خود تعداد تزریق کنندگان را زیادتر از آنچه‌ی که حقیقت دارد قلمداد نماید تا در اثر آن انعامی بدست آورد جعل محسوب نمیگردد.

ولی اگر عضو شرکت بیمه بر میزان رسید غرامت پس از وقوع حادثه افزود و باضمانت متضرر برساند بمنظور اینکه وجهی بیشتر از میزانیکه بدارنده بیمه‌نامه داده شده است بپردازد عمل او جعل محسوب میگردد.

یا اگر محاسب کارخانه بمنظور رسیدگی بدفاتر عملیات ارقام مندرجه را تغییر داده باشد تا از این طریق میانگی برای خود بدست آورده و بحساب کارگر و کارفرما بگذارد عملش جعل و قابل پیگرد است.

اگر در دفاتر غیر رسمی صاحب دفتر آنچه بضرر خودش میباشد و در حکم اقرار است تغییر دهد جعل محسوب گردیده ولی اگر آنچه مورد ادعا و بفتح دارنده دفتر باشد چون ادعا فرع بر اثباتست دلیل محسوب نشده و تغییر و قلب حقیقت آن نیز جعل محسوب نخواهد شد.

اگر مأمورین دولت در حدود صلاحیت خاص خود صورت مجلس تنظیم کنند مانند مأمورین گمرک نسبت باشیاء قاچاق هر گونه قلب حقیقت که در آندفاتر بشود جعل محسوب میگردد ولی اگر قلب حقیقت در صورت مجلس ناظر بجرائمی باشد که از حدود صلاحیت آنان خارجست چون صورت مجلس تنظیم شده در این قسمت دلیل محسوب نمیشود عمل مزبور جعل بشمار نرفته و مستوجب تعقیب نمیشد.

اگر کسی فرزندی از یک رابطه نامشروع از زنی تحصیل کرده باشد و در اظهارنامه خود آنها را بنام فرزند خود بعنوان عیال شرعی قانونی خود معرفی نماید عملش جعل محسوب نخواهد شد.

اگر زن غیر شوهر دار بچه ای را که در نتیجه روابط نامشروع بدست آورده مستحب بشخصی نمایند که عنوان شوهر داشته باشد عملش نیز جعل نبوده و قابل تعقیب نمیشد.

اگر مأمور بیمه زاید بر آنچه یکمه معهود است پس از امضاء میزان آن از طرف بیمه شده بمبلغ بیمه که در بیمه‌نامه است بیفزاید عمل مزبور نیز جعل محسوب میشود.

**در هر حال سرتاسر حیات اجتماع ما را جعل فر گرفته و ما را از حقیقت دور نموده است**

باید صراط مستقیم را که بطرف حقیقت ما را راهنمایی نماید بیمائیم  
تا نعمت و آسایش و سعادت نصیب ما گردیده و از ضلالت و گمراهی خارج شویم  
این آیات شریفه که در سوره توحید است :

اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب  
علیهم ولا الضالین

و در نماز پنجگانه ده مرتبه میخوانیم باید از دایره لفظ بیرون آمده و صورت عمل بخود گیرد تا بگایه نکبت و ضلالت و بدبختیهای ما خاتمه داده شود .

باید بطرف حقیقت گرائید تا بگایه مجعولات خاتمه داده شود .

اینکه برای مزید اطلاعات خوانندگان محترم عین سخنان فلاسفه و نویسندگانرا که درباره حقیقت بیان نموده اند با معانی آن ذیلا می نگاریم :

Nous connaissons la vérité non seulement par la raison mais par le coeur. (Pascal)

عقل بتنهائی موجب شناسائی حقیقت نبوده و باید از طریق دل نیز بآن معرفت حاصل نمود . ( پاسکال )

La vérité est un bien commun ; quiconque la possède la doit à ses frères. ( Bossuet )

حقیقت مال مشترك محسوب گردیده و هر کس که بتنهائی مالک آنست سهمی هم بیرادران خود مدیون میباشد . ( بوسوئه )

On n'arrive à la vérité que par un chemin, on a s'en écarte par mille. ( La Bruyère )

برای رسیدن بحقیقت باید راه واحدی را انتخاب نمود و راههای متعدد انسانرا از حقیقت دور و منحرف مینماید . ( لابر ویر )

Quand vous avez trouvé la vérité, ne craignez pas de creuser; vous n'arriverez qu'à des conséquences justes et fécondes. (Montesquieu)

وقتی بحقیقتی برخورد نمودید از تعمق و خوض آن هراس نداشته باشید تا نتایج و ثمرات نیکوئی عاید شما گردد . ( مونتسکیو )

La morale a besoin, pour être bien reçue.

Du masque de la fable et du charme des vers,

La vérité plait moins quand elle est toute nue.

Et c'est la seule vierge, en ce vaste univers,

Qu'on aime à voir un peu vêtue. (De Boufflers)

اصول اخلاقی برای اینکه قابل قبول و درخور فهم عامه باشد باید در لباس افسانه و لطائف شاعرانه درآمده ولی حقیقت عریان کمتر مطبوع طبع بوده و یگانه باکره ایست که در این جهان وسیع و بی پایان بالندگی ستر و روپوش خواستار دیدار آن میباشند . ( دو بوفله )

On pardonne plus difficilement une vérité désagréable qu'une injure. (Grimm)

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

حقیقت نامطبوع کمتر از دشنام مورد عفو قرار میگیرد. (گریم)

Il y'a des vérités d'un jour comme il y'a des vérités éternelles. (J. Aragon)

همانطور که حقیقت ابدی وجود دارد حقیقت یک روزه هم وجود خواهد داشت. (ژ. آراگون)

La science est la connaissance des réalités de la nature et de l'histoire. (Lacord)

علم معرفت بحقایق طبیعت و تاریخ میباشد. (لاکورد)

Si l'égalité absolue est une chimère la mutualité seule est une réalité. (Madame de Girardon)

اگر مساوات مطلق امر یهوده و موهومی است اصل تعاون بتنهالی در حکم حقیقت میباشد. (مادام دوژیراردون)

La censure crée une société factice, substitue la fiction à la réalité. (Chateaubriand)

سانسوریک جامعه مجعول و تصنعی ایجاد نموده و تصورات و خیالات موهوم را جایگزین حقیقت مینماید. (شاتوبریان)

Les femmes croient à la réalité de tout ce qui se sert leurs intérêts et leurs passions. (Balzac)

زنها در حدود منافع و مشتهیات انسانی معتقد بحقیقت میباشند.  
(بازاک)

La réalités qui tombe sous nos sens n'est pas toute la réalité. (Jouffroy)

حقیقتی که باحواس ادراک میشود حقیقت کامل و تمام عیار نخواهد بود (ژوفروی)

L'imagination ne peut rien créer d'aussi laid que certaines réalités. (G. Sand)

تخیل برای انسان بعضی از حقایق زشتی را ایجاد مینماید.  
(ژ. ساند)

L'homme de lettres élève autour de lui un monde idéal auquel il donne la réalité et la vie. (Berryer)

مرد ادیب در محیط خود عالم خیالی ایجاد کرده و آن را حقیقت و زندگی نام مینهند.  
(برییه)

کلیه مجهولات حیاتی و جرائم اعم از ترور و آدم کشی - سرقت - کلاهبرداری - جعل - خیانت در امانت - جاسوسی و وطن فروشی و غیره در نتیجه ضعف دماغی و روحی افراد می باشد و بس .

در هر اجتماعی که بهداشت روحی نباشد نمیتوان به هیچگونه اصلاحی امیدوار بود و کلیه سعی و کوششها در این زمینه نقش بر آب خواهد بود .

دیوانگان و تهی مغزان نباید در رأس سازمانها قرار گیرند و باید بخدمت افرادی که دارای ضعف فکری و دماغی هستند خاتمه داده و افراد قوی و نیرومند و عاقل و متفکر بجای آنان گمارد .

در اجتماعی که اغلب مردم دچار جنون و امراض عصبی و دماغی هستند نتیجه این میشود که در رأس هر کاری دیوانه ای قرار گرفته که اسباب زحمت عقلا و سایر دیوانه ها را فراهم نموده و از این حیث اختلالی در کلیه شؤون حیاتی و اجتماعی کشور ایجاد مینمایند .

اغلب تروریستها و با آدم کشها و مردمان فاسد و بد اخلاق از افرادی هستند که از حیث جسم توانا و نیرومند بوده ولی از حیث فکر ضعیف و ناتوان میباشند .

ضعف جسمی موجب ضعف دماغی شده ولی نیروی جسمی بر قدرت و قوه دماغی نیز افزوده و نیروی دماغی و جسمی متوازیاً باید پیش روند تا ثمرات و نتایج نیکوئی عاید اجتماع گردد .

هر قدر افراد هر کشوری قدر و قیمت پیدا کنند و دارای افکار صحیح و سالمی باشند بهمان نسبت بر قیمت آن کشور افزوده خواهد شد . تملق - مداهنه - رجز خوانی - ادای الفاظ غالب بر معانی و فخر و مباحثات بر پیشینیان تأثیری در بهبود امور کشور نخواهد داشت .

ایران سرزمین فکر و اندیشه بوده است و امروز در نتیجه ضعف روحی و دماغی افراد به این صورت درآمده است

اعراب با آنهمه خصومت و عنادی که با ایرانیان داشتند باز هم پاروی حق و حقیقت نگذاشته و در قاموس خود بصاحبان فکر و اندیشه و کسانی که سیر و سلوک عقلی داشتند متفرس خطاب نموده و عمل فکر و غوررسی در امور و قضایا را تفرس میگفتند که ریشه آن از فارس و فارسی آمده و تفکر و تعمق و استقصاء و اکتناه را از عادات و سنن ایرانیها میدانسته اند

در محیط ما کسی ب فکر استفاده از معلومات اشخاص نبوده و اگر اولین دانشمند جهان باشند محال است بدون پشتیبانی متفذین و وکلای مجلسین و وزراء امرار معاش نموده و از معلوماتشان استفاده نمایند بر عکس افراد تهی مغز و بیمایه در اثر جانبداری دارای پستهای حساس خواهند بود. علت تفوق امریکا در این مدت قلیل و سایر ممالک را قیبه مانند انگلیس و آلمان و غیره این است که از افکار صحیح و معلومات و استعداد افراد از هر طبقه و نژاد که باشند استفاده کرده و موجبات تشویق و تقویت آنها را فراهم مینمایند .

اساس فرسوده گذشته را برچینید و بساطی که متناسب با دنیای کنونی باشد بگسترانید تا در ب سعادت به روی این کشور بازگردیده و تمام اهالی در رفاه و آسایش بسر برند .

افکار را باید از قید رقیت و روش و سنن غلط آزاد نمود و آنها را بسوی تکامل روحی و جسمی هدایت کرد .

اعصاب انسان مجاری افکار وی بوده و هر عمل و فکر غلطی مظهر ضعف و ناتوانی آن میباشد .

اجتماع صحیح از نیم مردمان و رنجوران روحی و جسمی تشکیل نشده و منظره ایرا که از دنیای خارج درك میکنیم بستگی بانیرو و توانائی دماغی آنان دارد .

دماغ عضو حاکم بدن است و اگر ضعیف و سست باشد در عمل که احساس درك و فهم است و عکس العمل خود که رفتار و گفتار باشد دچار کندی و اختلال میگردد .

دولت باید با نیروی آموزش و پرورش نیروها و قوای مخفی افراد را نمودار سازد و از قوای شگفت انگیز افراد در کلیه شئون اجتماعی استفاده نماید .

افراد ضعیف الفکر و تهی مغز آلت اجرای سیاستهای خارجی میشوند کشورهای بزرگ جهان با نیروی جسمی تهی مغزان و دیوانگان اداره نشده بلکه وجود افراد عاقل و متفکر گردانندگان چرخهای امور کشور را تشکیل میدهند

پرورش روحی باید به پرورش جسمی کمک نموده و پرورش جسمی هم پرورش روحی مدد برساند .

طبیعت بما یک روح داده و یک جسم باید هر دوی آنها را در آن واحد اصلاح و تقویت نمود و این دو قسم تربیت متوازی هم میباشد .  
فلسفه تهیه گواهینامه صحت مزاج برای اشتغال بهر کاری اعم از دولتی و غیر دولتی همین است و بس .

همانطور که امراض جسمی را با بهداشت و معالجه مداوا مینمایند امراض روحی را که آثار آن همین ارتکاب جرائم میباشد باید بوسیله متخصصین فن که پزشکان روحی هستند معالجه نمود تا بکلیه جرائم خاتمه داده شود و گر نه حبس و زجر و شکنجه تأثیری نداشته و هر روز بر تشکیلات و تعداد مجرمین و بزهکاران خواهد افزود .

تعیین حبس بصورت ناگون و مدتهای مختلفه برای بزهکاران عنوان مجازات و اذیت را نداشته بلکه برای بدست آوردن اثرات اصلاحی آن میباشد زیرا افرادی که نتوانند خود را با حیات اجتماعی هم آهنگ نمایند و عملیات را که موجب اخلاق آن است مرتکب گردند اجتماع ناگزیر است که برای تجدید تناسب این افراد جهت زندگانی اجتماعی مدتی آنها را در چهار دیوار زندان و دور از اجتماع قرار داده و بوسیله تقویت و پرورش نیروی دماغی و فکری و جسمی آنها را متناسب با حیات اجتماعی نموده و تحویل اجتماع دهند .

زندانیها از صورت مراکز فساد و سوء اخلاق و تنبلی و تن پروری و کنکاش و نقشه کشی باید بصورت دارالانادب و محیط تربیتی در آیند .  
امروز در کشورهای راقیه اغلب از دانشمندان و علماء و صنعتگران و ارباب حرف از محیط زندان بیرون آمده و از سایر افراد کاملتر و مهذبتر میشوند .

ایجاد امنیت مخصوصاً امنیت قضائی بزرگترین مبارزه با امراض دماغی و روانی خواهد بود .

در محیطی که امور روی محور صحیح گردش ننموده و اصول تبعیض و جانبداری برقرار است این عوامل موجبات تحریک اعصاب و هیجانان روحی افراد را هم کرده و آنرا بصورت تیمارستان تبدیل خواهد نمود .

نظم و ترتیب و گردش صحیح چرخهای هر کشوری بستگی باصحت و سلامتی دماغی افراد خواهد داشت .

بدن انسان در حکم ماشینی است که برای خوب بکار انداختن آن لازم است از هر حیث مراقبت گردیده و نهایت درجه دقت را در حفظ آن بعمل آورند تا خرابی و کاهشی در آن وارد نیامده و بتواند بنحو مطلوبی وظایف خود را انجام دهد. هر عیب و سائیدگی که در ماشین ایجاد شود تأثیر زیادی در عمل و نتایج حاصله از آن خواهد داشت.

هر اختلالی که در سلامتی جسمی و روحی افراد ظاهر شود آثار آن در محیط اجتماعی کاملاً ظاهر و پدیدار میگردد محال است ماشین خراب و فرسوده ای بتواند انسان را بمقصد برساند.

تا اندیشه و فکر سالم نباشد غیر ممکن است چرخها بنحو صحیحی بدست گردانندگان آن بچرخد.

قسمت اعظم اعتبارات باید صرف بهداشت روحی و جسمی مردم شود امنیت قضائی - حکومت قانون - گردش امور بر طبق برنامه صحیح - عدم تبعیض - امتیاز فضلی از تضعیف اعصاب جلوگیری کرده و بر تقویت دماغ مردم کمک مؤثری خواهد نمود.

سازمان هر کشوری باید بنحوی اداره شود که موجبات تحریک اعصاب و هیجانان روحی مردم را فراهم نکرده تا منتهی بحوادث شوم و ناگوار نگردد.

یأس و ناامیدی و بدبینی که در عداد جنون جزئی میباشد از نتایج اعمال سوء دیوانگانی است که اداره امور کشور بعهده آنان محول گردیده.

برای مردم باید باغهای عمومی و تفرجگاهها و تفریحات در تمام نقاط شهر تهیه کرد و حد مایقن معاش آنانرا که آب و نان و گوشت باشد فراهم نمود تا کمکی به تقویت اعصاب و دماغ آنان شده و خستگی و فرسودگی را از آنان بزدايد.

برای هر فردی لازم است که هشت ساعت کار کرده و هشت ساعت راحتی و تفریح نموده و هشت ساعت هم بخوابد تا بتواند خود را برای کار روز دیگر آماده نماید.

در ایام هفته يك روز باید دو برابر تفریح و راحتی نمایند یعنی ساعت کار خود را تبدیل به تفریح کنید و هشت ساعت هم بخوابید تا بتوانید برای انجام کارهای هفتگی خود را مهیا و مجهز نمایید.



در سال هم یکماه باید کاملاً اوقات خود را به تفریح و گردش بگذرانید و برای آنهاییکه مانند معلمین و قضات کارهای فکری دارند دو ماه وقت ضرورت دارد تا فرسودگی و کاهش بدن و دماغ آنان از هر حیث ترمیم گردد.

این اصول در مناطق معتدل و کم ارتفاع و منظم رعایت گردیده و در نقاط مرتفع و آفتابی و غیر منظم بطریق اولی باید عملی گردد

بعقیده اینجانب بر هیئت دولت است که دو ماه سازمانهای قضائی را مانند سازمانهای فرهنگی تعطیل نماید تا قضاات و وکلای دادگستری مانند آموزگاران و اساتید بگردش و استراحت پرداخته تا نتایج نیکوی این امر عاید اجتماع گردد و گرنه کارهای متوالی و خسته کننده نتایج سوئی در عاملین آن داشته و موجب اختلال و وقفه در کود امور کشور خواهد شد.

در زمان زمامداری مرحوم سپهبد رزم آراء اهمیت این موضوع را بشخص اول مملکت عرض نموده و مورد قبول ایشان و نجات وزیر وقت واقع گردید ولی در کابینه بعد این قضیه تحت الشعاع امور آن روز قرار گرفت و از بین رفت.

عدم اجرای قانون و آئین دوست یابی این امراض روحی و دماغی را در مردم ایجاد کرده است.

هر قدر جامعه رو به رعایت اصول و قانون و نظم و مساوات و آزادی و عدالت اجتماعی و تشویق خادم و مجازات خائن برود بیشتر بقوای فکری مردم کمک نموده و موجب تقویت آن خواهد شد.

ملتی که خوب بنخوابد و خوب استراحت و تفریح کند قادر بانجام کارهای خوب خواهد شد.

در محیطی که در نتیجه ضعف روحی و فکری کارهای صحیحی انجام نگردد نتایج حاصله از این گردشهای غلط چرخها متوجه مردم گردیده و تفریح و استراحت و خوابرا از آنان سلب نموده و موجب اختلال و پراکندگی امور در نتیجه تسمم روحی و جسمی میگردد.

علت اینکه از فعالیت و کارهای سازمانهای این کشور نتیجه گرفته نمیشود این است که این اعمال برفوق عقل و اندیشه صورت نمیگیرد.

قوه متخیله اشخاص راهمین ناگواربها و عدم رعایت اصول و قوانین تحریک میکند.

یأس و بدبینی نتیجه نداشتن برنامه صحیح دریک محیط میباشد . هرملتی که سنین عمر خود را با مواعید بگذرانند و زندگانی درنظارش سرابی باشد که از حقیقت کاملاً عاری است هر روزش بدتر از روز دیگر گردیده و قطعاً مأیوس و بدبین خواهد شد . روح بدبینی و یأس را باید با تنظیم برنامه صحیحی که بدست افراد دانشمند و فعال و با تقوی عملی گردد از بین برد و به گایه نگرانیها خاتمه داد .

برزمامداران است که اعتباری برای صد نفر پزشک امراض روحی (پسیکیاتر) قائل شده و از کشورهای مختلفه آنها را استخدام کرده و یک دانشکده امراض روانی تأسیس نموده که اشخاص مزبور عده ای از جوانان ایرانی را باین فن آشنا کرده و هم به معالجه اعضاء دوائر دولتی و سایر افراد کشور که مبتلا به امراض دماغی و روحی هستند پردازند تا به این آشفتنگیها خاتمه داده شود .

شکسپیر (Shakespeare) شاعر معروف انگلیسی در کتاب معروف خود هانری چهارم درباره خواب که بهترین طریقه استراحت میباشد چنین میگوید .

ای خواب  
ای دایه مهربان  
چقدر از تو وحشت داشته ام ولی تو دیگر  
مژگان مرا از وجود خودت بارور نموده و حواس مرا در عالم فراموشی  
نمی اندازی .

“ O sleep, O gentle sleep,  
Nature's soft nurse, how have I frightened thee  
That thou no more with weigh my eyelids down  
And steep my senses in forgetfulness ”

فردریک نیچه دانشمند و حکیم آلمانی اعصاب و دماغ قوی را یگانه عامل اصلاحات دانسته و بهترین طریق تقویت آنها خواب میداند و معتقد بوده که عدم رعایت اصول و قوانین و هرج و مرج بی نظمی در هر محیطی بیخوابی در افراد ایجاد کرده و همین عارضه بر توسعه و شدت آن خواهد افزود و میگوید تا انسان دارای مکارم اخلاق و ملکات فاضله که از نتایج محیط منزّه و آرام است نباشد محال است بتواند بخوبی خوابیده و تسممات روحی و جسمی خود را رفع نماید - لذا عین عبارت او را که بچندین زبان ترجمه شده است ذیلاً مینگاریم .

### فارسی

نسبت به خواب احترام کنید و از گسائیکه شب هنگام بد میخوانند و یا در شب کشیک میدهند بر حذر باشید حتی دزد هم شرم دارد که خواب

مارا برهم زند و همیشه دزدیده در شب راه میرود ولی باسبان شب بی چشم و رو است و باکمال بی شرمی کرنای خود را بصدای در میآورد .  
خواب يك هنر بی مقداری نیست و ارزش دارد که در تمام عمر مورد مطالعه قرار گیرد .

ده بار در روز بایستی بر خود مسلط شوی این برای تو یکنوع خستگی سالمی ایجاد خواهد کرد و برای روحت حکم خشخاش را خواهد داشت .

ده بار در روز بایستی با خود آشتی کنی زیرا فتح تلخی بار آورد و کسی که آشتی نکرده بخواب رود خوب نخواهد خفت .

ده بار در روز بایستی بخندی و شاد باشی و گرنه معده تو که ام الامراض است ترا در شب ناراحت خواهد ساخت

چه نادر نداشت خاصیکه این قضیه را میدانند ولی شخص بایستی صاحب تمام ملکات فاضله باشد تا خوب بخسبد .

شهادت دروغ - زنا و چشمداشت به کلفت همسایه همه با خواب راحت مغایرت دارند حتی اگر انسان تمام فضایل نیکورا دارا باشد باز هم يك چیز لازم است و آن خواباندن بسوق تمام فضایل نیکو است تا مبادا که بر سر تو بیچاره این نورچشمان باهم به نزاع برخیزند .

من بافتخارات و گدجهای شایگان چشمداشتی ندارم زیرا اینها موجب تورم طحال میشوند ولی مردی که نام نیک و جزئی ثروتی نداشته باشد راحت نخواهد خفت .

شب هنگام من مواظبت میکنم که خواب را بخود نخوانم خواب که افضل بر تمام محاسن است از احضار شدن اکراه دارد .

### آلمانی

Ehre und Scham vor dem Schlafe? Das ist das Erste!  
Und allen aus dem Wege gehn, die schlecht schlafen und nachts wachen!

Schamhaft ist noch der Dieb vor dem Schlafe: stets stiehlt er sich leise durch die Nacht. Schamlos aber ist der Wächter der Nacht, schamlos trägt er sein Horn.

Keine geringe Kunst ist schlafen: es tut schon not, den ganzen Tag darauf hin zu wachen.

Zehnmal muszt du des Tages dich selber überwinden: das macht eine gute Müdigkeit und ist Mohn der Seele.

Zehnmal muszt du dich wieder mit dir selber versöhnen; denn Überwindung ist Bitternis, und schlecht schläft der Unversöhnte.

Zehnmal muszt du lachen am Tage und heiter sein: sonst stört dich der Magen in der Nacht, dieser Vater der Trübsal.

Wenige wissen das: aber man musz alle Tugenden haben um gut zu schlafen. Werde ich falsch Zeugnis reden? Werde ich ehebrechen?

Werde ich mich gelüsten lassen meines Nächsten Magd? Das alles vertrüge sich schlecht mit gutem Schlafe.

Und selbst wenn man alle Tugenden hat, musz man sich noch auf eins Verstehn; selber die Tugenden zur rechten Zeit schlafen schicken.

Dasz sie sich nicht miteinander zanken, die artigen Weiblein. Und über dich, du Unglückseliger!

Viel Ehren will ich nicht, noch grosze Schätze: das entzündet die Milz. Aber schlecht schläft es sich ohne einen guten Namen und einen kleinen Schatz.

Kommt nun die Nacht, so hüte ich mich wohl, den Schlaf zu rufen! Nicht will er gerufen sein, der Schlaf, der der Herr der Tugenden ist!

Be reverent and shamefast toward sleep! That is of first importance! And avoid all that sleep ill and watch at night!

The very thief is ashamed to disturb sleep: ever stealeth he softly through the night. But shameless is the night-watchman, shamelessly he beareth his horn.

Sleeping is no mean art: it should be studied the live-long day.

Ten times a day shalt thou conquer thyself: this bringeth an wholesome weariness and is as poppy to the soul.

Ten times shalt thou be reconciled with thyself: for conquest is bitterness and ill sleepeth he that is unreconciled.

Ten times a day shalt thou laugh and be gay: else shall thy stomach, that father of affliction, disturb thee by night.

Few know it, but one must have all the virtues in order to sleep well. Shall I bear false witness? Shall I commit adultery?

Shall I covet my neighbour's maidservant? Such things would ill accord with sound sleep.

And even if one have all the virtues, there is still one thing needful - to put the virtues to sleep at the proper time.

Lest they quarrell amongst themselves, the pretty dears-and over thee, thou luckless one!

I desire not many honours nor great treasures: they inflame the spleen. But a man sleepeth ill without a good name and a modest treasure.

When night cometh I take good care not to summon sleep! He loveth not to be summoned-sleep which is the lord of the virtues!

### فرانسه

«Honneur et respect au sommeil. C'est le principe de toutes choses. Evitez tous ceux qui dorment mal et qui veillent la nuit!

Le voleur lui-même a honte en face du sommeil. Son pas léger fuit dans la nuit. Mais le veilleur de nuit ne connaît pas la honte et c'est sans pudeur qu'il porte son cor.

Ce n'est pas une petite chose que de savoir dormir: il faut commencer par veiller tout le jour.

Dix fois dans la journée il faut que tu te surmontes toi-même: voilà qui donne une bonne fatigue et c'est un pavot pour l'âme.

Dix fois il faut que tu te réconcilies avec toi-même; car s'il est amer de se surmonter, celui qui n'est pas réconcilié dort mal.

Dix fois dans la journée il faut que tu ries et que tu sois joyeux: sinon tu serais dérangé la nuit par ton estomac, ce père de la tristesse.

Peu de gens savent cela, mais il faut savoir toutes les

vertus pour bien dormir. Porterai-je un faux témoignage? Commettrai-je un adultère?

Convoittrai-je la servante de mon prochain? Tout cela s'accorderait mal avec un bon sommeil.

Et si même l'on possède toutes les vertus, il faut encore s'entendre à une chose: envoyer dormir à temps les vertus elles mêmes.

Il ne faut pas qu'elles se disputent entre elles, les gentilles petites femmes! et cela sur ton dos, malheureux!

Je ne veux ni beaucoup d'honneurs, ni de grands trésors: cela échauffe la bile. Mais on dort mal sans une bonne renommée et un petit trésor.

Quand vient la nuit, je me garde bien d'appeler le sommeil. Il ne veut pas être appelé, lui qui est le maître des vertus!

### ایطالیائی

Onore e rispetto al sonno: esso è di tutte le cose la prima!

La seconda è evitare coloro che non dormono bene e vegliano la notte!

Persino il ladro rispetta il pudore del sonno: ei ruba nel silenzio della notte. Ma spudorato è il guardiano notturno, che senza pudore fa uso del suo corno.

È un'arte facile quella di dormire: ma assai fatica costa il vegliare tutto il dì per giungere all'ora di sonno.

Dieci volte al giorno tu devi vincer te stesso: ciò procura un buon sonno ed è il narcotico dell'anima.

Dieci volte al giorno devi riconciliarti con te stesso: giacchè se il vincersi è sempre cagione di amarezza, male dorme d'altra parte chi non si corica riconciliato seco stesso.

Dieci volte al giorno tu devi ridere per esser gaio: altrimenti lo stomaco ti disturberà durante la notte, lo stomaco che è il padre di ogni afflizione.

Pochi sanno ciò: ma bisogna possedere tutte le virtù per dormir bene.

Testimonierò io il falso? Diverrò adultero? Sentirò il desiderio della donna altrui? Tutto ciò mal s'accordrebbe con un buon sonno.

E quando ancora si posseggono tutte le virtù, bisogna conoscere molto un'altr'arte: quella di mandarle a dormire a tempo debito. Affinchè non contrastin tra loro quelle care donnine, e sul tuo conto, disgraziato.

Non domando nè onori nè ricchezze: cio infiamma la milza. Pur si dorme male senza un briciolo di fama e di ricchezza.

E quando sopraggiunge la notte, mi guardo bene d'all'invocare il sonno! Egli non vuol essere invocato, il sonno che è il padrone di tutte le virtù.

### ترکی

«Uykuya karşı saygi ve haya duymali. İşin başı budur. Fena uyuyanların ve gece uyanık duranların yolundan çekilin.

Hirsiz bile uykuya karşı haya duyar. Daima gece, sessizce çalar kaçar. Fakat gece bekçisi hayasizdir; hayasızca düdüğünü taşır.

Uyku kolay bir sanat değildir. Onun hatiri için bütün gün uyanık durmak lâzımdır.

Gündüzün kendini on defa henmelisin, bu iyi bir yorgunluk verir, ve ruhun aşıındur.

Yine on defa kendinle barışmalısın, çünkü yenme acıdır ve barışmayan fena uyur.

Gündüz on defa gülmeli ve neşelenmelisin. Yoksa gecelerin mide, bu gam babası, seni rahatsız eder.

Bunu bilen azıdır. İyi uyumak için bütün faziletlere sahip olmak lâzımdır. Yalan yere şahitlik mi? En Yakındaki kiza şehvet mi duyacağım? Bütün bu düşünceler uykuyu bozar.

Ne çok şeref ve ne büyük servet isterim: Bu, zihni karıştırır. Ama iyi bir nam ve küçük bir kasaya sahip olunmayınca da iyi uyunmaz.

Gece olunca uykuyu çağırmaktan çekinirim! Faziletlerin efendisi olan uyku çağırılmak istemez.

### عربی

مجدوا الكرى وعظموه لان له المقام الاول وتحاشوا مرافة منساء

رقادهم ومن استحوذ عليهم الأرق .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

ان اللص ایقظ خاشعاً امام الکرى فیدلج فی اللیل مخرساً وقع اقدامه  
ولکن الساهر المجازف لایتورع عن حمل بوقه .

لیس بالسهل ان یرف الانسان کیف یرتسلم لسنة الکرى ، و لیس  
الامن عرف کیف ینتبه طول النهار ان ینام ملء جفنیه .

یجب علیک ان تقاوم نفسک عشر مرات فی النهار فتغنم خیر التعب  
وتهی المخدر لروحک .

علیک ان تصالح نفسک عشر مرات فی النهار لانه اذا کان فی قهر النفس  
مرارة فان فی بقاء الشقاق بینک و بینها ما یزعج رقادک .

علیک ان تضحک عشر مرات فی یومک لتکون مرحاً کبلاً ترعجک  
معدتک فی لیلک و المعدة بیت الداء .

قلیل من یرف هذا من الناس، ولن یتمتع بالرقاد الهنیئ الامن حاز  
جميع الفضائل . فاذا مال المرء أدى شهادة زور او تلطخ بالزنا و اذا هواشتهی  
خادمة قریبه فقد حرم وسائل الهناء فی نومه .

غیر ان المرء یحتاج فوق فضائله الی شیء آخر و هو ان یندفع الی الرقاد  
بفضائله تسها فی الزمن المناسب .

ان من الفضائل من هی کالغانیات المتجنیات ، فاقم بینهنّ حائلاً کبلاً  
یتهین الی عراقک تكون انت ضحیته .

لاطلب کثیراً من المجد ولا و فیراً من المال و کلاهما یودی الی  
الاضطراب، و لکن المرء لاینام هنیئاً ما لم یکن له شیء من الشهرة و لده شیء  
من المال .

اما انا فاننی اذا امسی المساء احترس من ان ارود النعاس لانه  
سید الفضائل ولا یرتاح الی تحرش الساهرین .

در هر حال تا افراء از حیث جسم و روح سالم نباشند مجال است  
اصول و قوانین تاثیراتی در آنان داشته باشد درجه تأثیر آن بستگی با رشد  
جسمی و روحی افراد دارد .

سیر قوانین در ادوار و نقاط مختلفه بر حسب تفاوت و اختلاف مغز  
و ساختمان دماغی بصورگونگون درآمده و کاملاً رنگ افکار و اندیشه  
افراد را بخود گرفته و هر کس بقدر استعداد و فراخور عقل خود از آن



طریقه کشف جعل در عصر حاضر

بهره‌مند می‌گردد لذا قوانین خوب به تنهایی يك کشور را اصلاح نکرده باید در اصلاح و مغز و دماغ مردم کوشش نمود تا افکار و عملیات درست و سالمی جلوه‌گر گردیده و نتایج نیکوئی عاید اجتماع گردد

سنائی و مولانا جلال‌الدین بلخی این معانی را کاملاً در ضمن این اشعار مجسم نموده‌اند .

### اشعار سنائی

آسمانها است در ولایت جان      کار فرمای آسمان جهان  
در ره روح پست و بالاهاست      کوههای بلند و دریاهاست

### اشعار مولانا جلال‌الدین بلخی

غیب را ابری و آبی دیگرست      آسمان و آفتابی دیگرست  
ناید آن الا که برخاستن بدید      باقیان فی لبس من خلق جدید  
هست باران از پی پروردگی      هست باران از پی بزمردگی  
شع باران بهاران بوالعجب      باغ را باران پائیزی چو تب  
آن بهاری ناز پروردش کند      وین خزانی ناخوش و زردش کند  
همچنین سرما و باد و آفتاب      بر تفاوت دان و سرشته ییاب  
همچنین در غیب انواعست این      در زیان و سود و در رنج و غین  
این دم ابدال باشد زان بهار      در دل و جان روید از وی سبزه زار  
فعل باران بهاری با درخت      آید از انفاستان در نیکبخت  
گردرخت خشک باشد در مکان      عیب آن از باد جان‌افزادان  
بادکار خویش کرد و بر وزید      آنک جانی داشت برجانش گزید  
گفت پیغمبر ز سرمای بهار      تن مپوشانید یاران زینهار  
زانک با جان شما آن میکند      کان بهاران با درختان میکند  
لیک بگریزید از برد خزان      کان کند کو کرد با باغ و رزان  
راویان این را بظاهر برده‌اند      هم بر آن صورت قناعت کرده‌اند  
بیخبر بودند از جان آن گروه      کوه را دیده ندیده کان بکوه  
آن خزان نزد خدا سس و هوی است      عقل و جان عین بهارست و تقاست  
مر ترا عقلی است جز وی در نهان      کامل‌العقلی بجو اندر نهان  
جزو تو از کل او کلمی شود      عقل کل بر نفس چون غلی شود  
پس بتأویل این بود کاتقاس پاک      چون بهارست و حیوة برگ و تاک

از حدیث اولیاء نرم و درشت      تن مپوشان زانک دینت راست پشت  
گرم گوید سرد گوید خوش بگری      تا زگرم و سرد بجهی وزسعیر  
گرم و سردش نوبهار زندگیست      مایه صدق و یقین و بندگیست  
زان کزوبستان جانها زنده است      زین جواهر بحر دل آکنده است  
بردل عاقل هزاران غم بود      گر زباغ دل خلالی کم بود

در هر صورت این است بهترین روشی که باید برای مبارزه با فساد و معایب در نظر گرفته و اجرا شود و غیر از این علاج و چاره‌ای نخواهد داشت.

خداوند در سوره کهف در آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ به افرادی که برنامه صحیحی نداشته و راه غلط میپیمایند چنین میگوید.

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صَنِعًا

یعنی ای پیغمبر بگو آیا بشما خیر بدهم کسانی که اعمالشان از همه بیشتر مضر و زیان آور است آنان کسانی هستند که تلاش و کوششان در زندگی ضایع و بهدر رفته و در عین حال گمان میکنند که کار مفید و خوبی انجام میدهند.

در سوره ششم الانعام آیه ۱۰۴ چنین میفرماید.

وَأَنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرُقَ بَيْنَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ  
یعنی این راه راستی است که باید پیروی نموده تا شما را بسر منزل مقصود برساند  
و از راه کج که شما را از هدف و منظورتان منحرف مینماید احتراز جوئید.

در سوره هفتم (اعراف) آیه ۱۷۸ چنین میفرماید.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا  
وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يُسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ  
أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

یعنی خداوند ذلت و نکبت و جهنم را برای افرادی آفرید که قلب دارند ادراک نمیکند و چشم دارند نمی بینند و گوش دارند نمی شنوند آنان در حکم چهارپایان و بدتر از آنانند و در عداد گمراهان و غفلت زدگان محسوب میشوند.

در آخر سال به ترازنامه اعمال خود نظر افکنید و جزو ورشکستگی و در ماندگی چیزی مشهود نخواهد شد

کلیه کشورهای اروپا و امریکا و قسمتی از افریقا و اقیانوسیه سال نوراکه اول بهار است ماه مارس میدانستند و همینطور هم هست و از ایرانیها اقتباس کرده بودند زیرا در کلیه زبانهای آن قاره ها ماه هفتم سپتامبر و ماه هشتم اکتبر و ماه نهم نوامبر و ماه دهم آن دسامبر بهمین معنی موصوف گشته است و در کلیه واژه ها این معانی کاملاً ظاهر و هویدا میباشد ولی از روی تعصب بر خلاف معانی این لغات رفتار نموده و ژانویه را برای اول سال خود قائل شده اند که با اول زمستان تطبیق مینماید

در موقع تحویل سال که طبیعت از پرودت بطرف حرارت و از ظلمت به سمت نور و از قدمت به جانب حدوث و از ارتجاع بسوی تجدد می رود از خداوند بخواهم که ما را از این خزان زندگی بیرون آورده و یک بهار حقیقی برای ما فراهم نماید و این امر میسر نمیگردد مگر اینکه عقل و افکار صحیحی در مغز ما بوجود آورد تا در سایه آن تحولاتی در کلیه شئون حیاتی ما ایجاد شده و اهمیت حقیقی و موقعیت واقعی خود را بتوانیم در عالم احراز نماییم .

### یا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال

باری بر زمامداران است که از نظر دلسوزی و خدمت به این آب و خاک این روش و سنت غلط را تغییر داده و با اجرای برنامه صحیحی کشور را از این صورت اسفناک بیرون آورده و در مسیر ترقی و تکامل بگذارند و نیز این غزل حافظ را در تمام احوال شعار و برنامه حیاتی خود قرار دهند.

درخت دوستی بنشان که کام دل پیار آرد

نهال دشمنی برکن که رنج بیشمار آرد

چو مهمان خراباتی بعزت باش بارندان

که درد سرکشی جانا گرفت مستی خمار آرد

شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما

بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد

بهار عمر خواه ای دل و غرنه این چمن هر سال

چو نسرین صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد

در خاتمه پس از عرض تبریک و تهنیت سال نو به خوانندگان گرامی از این تصدیق و اطاله معذرت خواسته و اگر عمری باقی و توفیقی حاصل و مانعی در بین نباشد در شماره های آینده به بحث بقیه مبحث جعل می پردازیم .